

علوم پایۀ زنگان

داستان بنیان‌گذاری
مرکز تحصیلات تکمیلی

روایتِ یوسف ثبوتی
به کوشش ماندانا فرهادیان



علوم پایة زنجان

سرشناسه: ثبوتی، یوسف، ۱۳۱۱-، مصاحبه‌شونده • عنوان و نام پدیدآور: علوم پایه زنجان: داستان بنیان‌گذاری مرکز تحصیلات تکمیلی / روایت یوسف ثبوتی؛ به‌کوشش ماندانا فرهادیان • مشخصات نشر: تهران، نشرنی، ۱۴۰۱ • نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۴۰۱ • مشخصات ظاهری: ۴۹۵ ص • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۶۸-۶ • وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا • یادداشت: نمایه • موضوع: مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان؛ دانشگاه‌ها و مدارس عالی - ایران - زنجان (استان)، Universities and colleges - Iran - Zanjan (Province) • شناسه افزوده: فرهادیان لنگرودی، ماندانا، ۱۳۴۷-، مصاحبه‌گر • رده‌بندی کنگره: LA۱۳۵۳ • رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۵۵ • شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۵۲۲۶۷

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان



نشرنی

علوم پایه زنجان

داستان بنیان‌گذاری مرکز تحصیلات تکمیلی

روایت یوسف ثبوتی

به کوشش: ماندانا فرهادیان

صفحه‌آرا: الهه خلیج‌زاده

لیتوگرافی: باختر • چاپ و صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۱، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۴۶۸-۶

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نامبر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com • email: info@nashreny.com • nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

علوم پایۀ زنجان

داستان بنیان‌گذاری

مرکز تحصیلات تکمیلی

روایت یوسف ثبوتی

به کوشش ماندانا فرهادیان



دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان نخست با نام «مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه» با مجوز وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال ۱۳۷۱ تأسیس شد. هدف آن ایجاد یک محیط آموزشی و پژوهشی پویا و زاینده بود، محیطی که در آن آموزش علوم پایه در عالی‌ترین سطح، و پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در آن در مرز یافته‌ها و نیافته‌های دانش جهانی باشد.

«مرکز» کار خود را با تأسیس رشته فیزیک آغاز کرد. در سال‌های بعد رشته‌های ریاضی، شیمی، علوم زمین، علوم کامپیوتر، و علوم زیستی نیز تأسیس شدند. رشته فناوری اطلاعات تنها رشته کارشناسی است که این دانشگاه در آن دانشجوی می‌پذیرد. همچنین دوره «دکتری پیوسته فیزیک» تنها در این دانشگاه برگزار می‌شود.

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۵.....	سرآغاز
۱۵.....	یادداشت‌های دکتر ثبوتی، سال ۱۳۷۱.....
۳۱.....	گفت‌وگو با دکتر ثبوتی.....
۳۱.....	سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۳.....
۴۱.....	ادامه گفت‌وگو: سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۳.....
۱۱۵.....	گفت‌وگوی ۲۰ خرداد ۱۳۹۳.....
۱۲۳.....	یادداشت‌های سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴.....
۱۲۳.....	سال ۱۳۷۲.....
۲۳۵.....	سال ۱۳۷۳.....
۳۳۱.....	سال ۱۳۷۴.....
۴۵۷.....	گفت‌وگو با دکتر ثبوتی، ۷ مهر ۱۳۹۵.....
۴۶۷.....	گزارش تابستان سال ۱۳۷۰ به وزارت فرهنگ و آموزش عالی... ..
۴۷۵.....	گفت‌وگو با دکتر ثبوتی، ۱۴ مهر ۱۳۹۵.....
۴۸۳.....	نمایه.....



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و آموزش عالی
دفتر وزیر

تجلیاتی

تاریخ ۷۰/۸/۲۶
شماره ۲۱۰۴۴
پیوست

سرپرست محترم مجتمع آموزش عالی زنجان

"با اهداء سلام و درود"

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند:

- پهشپاد آقای دکتر ثبوتی در مورد ایجاد مرکز بین المللی آموزش علوم پایه - زنجان در جلسه مورخ ۷۰/۶/۳۰ شورای گسترش آموزش عالی مطرح و به شرح زیر تصمیم گیری شد:
- الف : نام مرکز : مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه خواهد بود.
 - ب : نخستین رشته فعالیت مرکز در زمینه فیزیک تعیین می‌شود.
 - ج : فعالیت مرکز با استفاده از فضا و امکانات دانشگاه زنجان آغاز می‌شود و محل نهایی ایجاد مرکز متناسب با شرایط و امکاناتی که واگذار می‌شود بعداً تعیین خواهد شد.

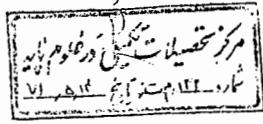
۷۰/۸/۱۹
تجلیاتی

با آرزوی توفیق الهی
دکتر مصطفی معین
وزیر فرهنگ و آموزش عالی

۷۰/۸/۱۹
۷۰/۸/۱۹

فهرست اسامی دانشجو

۷۰/۸/۱۹



۷۰/۸/۱۹

۷۰/۸/۱۹

مقدمه

نزدیک به سی سال از زمانی که استاد یوسف ثبوتی، خشت اول دانشگاهی را به قصد آموزش و پژوهش دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم پایه در زنجان بنیان گذاشت، می‌گذرد. استاد محمدرضا حیدری خواجه‌پور، همکار و دوست دیرینش، از همان روزهای نخست به یاری‌اش آمدند؛ این دو در ساختن مرکزی که امروز «دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان» نام گرفته است از هیچ تلاشی دریغ نکردند و البته، در پیمودن راهشان، دانشمندان و نیک‌اندیشان بسیاری را به یاری و همراهی فراخواندند. «دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان» هنوز دانشگاهی است نوین، اما می‌توان گفت ساختارش تا حدود زیادی شکل گرفته است. هنوز آن قدر جوان هست که دگرگونی‌اش دور از انتظار نباشد و، در عین حال، آن قدر از آغاز به کارش گذشته است که در خور تاریخچه‌ای باشد. این مقدمه مجال‌ی است تا بنویسم چرا دست به کار تهیه این کتاب شدم.

از بخت یاری‌ام بود که شاهد تأسیس دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان باشم و روزهای شیرین، تلخ، خوب و بد آن را از نزدیک ببینم. و از آن مهم‌تر، از نزدیک — خیلی نزدیک — با اندیشه دکتر یوسف ثبوتی، بنیان‌گذارش، آشنا شوم و تأثیر عمیقی از ایشان بگیرم — اندیشه‌ای که شاید عصا‌ی آن را می‌توان در این عبارتشان بازشناخت: «استاد و دانشجو در دانشگاه باید تنها مشغله و دغدغه‌شان یاد دادن و یاد گرفتن باشد.»

از همان سال‌ها که شاهد بالیدن دانشگاه، چه در بنای آن و چه به لحاظ علمی بودم، مشتاق بودم که روند نشو و نمایش را برای دیگران هم روایت کنم. هر چه می‌گذشت، اشتیاقم بیشتر می‌شد تا پس از یک دهه از آستانه «اشتیاق» گذشت و به وظیفه‌ای مهم بدل شد. دکتر ثبوتی، هر وقت و هر کجا که توانسته، از خواستن و ساختن چنین دانشگاهی گفته و نوشته است، باین حال انگیزه‌ها و اندیشه‌های او بیشتر به شکل خصوصی مطرح شده است تا عمومی. طی این سال‌ها که نظاره‌گر کوشش ایشان و یارانشان در ساختن و سامان دادن این دانشگاه بوده‌ام، در دلم بود که روند شکل‌گیری آن — از طرح‌واره‌ای که در ذهن دکتر ثبوتی بود، تا شکل امروزش — نگاشته شود.

شاید خاطره اولین مواجهه‌ام با جایی که آن روزها «مرکز تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان» نام داشت و اکنون «دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه - زنجان» نامیده می‌شود، بهتر از هر توضیح دیگری، انگیزه پدید آمدن این کتاب را نمایان کند.

سال ۱۳۷۲، روزی به همراه دکتر خواجه‌پور و دکتر ثبوتی راهی زنجان شدم تا چند روزی را زیر نظر دکتر خواجه‌پور در «مرکز»، به کارهای پایان‌نامه کارشناسی‌ام رسیدگی کنم. در ایستگاه قطار زنجان، راننده «مرکز» به استقبال دکتر ثبوتی و دکتر خواجه‌پور آمده بود. پس از چند دقیقه، رسیدیم به جایی که انگار انبار مرکز (دانشگاه) بود. گمان کردم دکتر ثبوتی سر راه خواسته‌اند اموری را بررسی کنند، اما متعجبانه دیدم که راننده ساک مرا برداشت و پشت یکی از چند دری گذاشت که فکر می‌کردم انبارند. ضربه‌ای به در زد و خانم زهره عالمی‌پور — که از آن پس یکی از دوستان عزیزم شد — بیرون آمد. چند جمله‌ای با جناب راننده گفتند و بعد، ساک مرا گرفت و منتظر شد به داخل بروم.

مرکز/دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه، که امروز از بهترین و زیباترین دانشگاه‌های این مرزوبوم است، در نخستین روزهای شکل‌گیری‌اش، چنین بود: به انباری می‌مانست که هیچ شباهتی به «دانشگاه» نداشت.

دکتر ثبوتی را اولین بار زمانی دیدم که دانشجوی کارشناسی فیزیک در دانشگاه صنعتی امیرکبیر بودم. دکتر خواجه‌پور، که تازه به آن دانشگاه پیوسته بودند و با خودشان کوله‌باری از انرژی و شادابی و ایده‌های تازه به دانشکده فیزیک آورده بودند، هر هفته یکی از فیزیک‌دانان نامدار ایران را برای سخنرانی به دانشکده دعوت می‌کردند. نام دکتر یوسف

ثبوتی برای همه ما دانشجویان آشنا بود، ولی آن روز که سخنرانی کردند از نزدیک دیدم و فهمیدم که چرا نام و آوازه‌شان در عرصه فیزیک به این بلندی است.

دکتر خواجه‌پور را، پیش از آنکه در مقام استاد ببینم، به ترجمی می‌شناختم. نامشان را بر کتاب‌های نسبیت، فیزیک و واقعیت و تکامل فیزیک (نوشته‌های آلبرت اینشتاین) دیده بودم، ولی حتی چند سال پیش‌تر از آشنایی با آن کتاب‌ها، با خواندن ترجمه‌شان از کتاب نجوم به زبان ساده (نوشته مایر دگانی)، چیزهای بسیاری از ایشان آموخته بودم. در آن سال‌ها، دکتر خواجه‌پور مسئولیت انتشارات انجمن فیزیک را هم بر عهده داشتند. من که هم به فیزیک علاقه‌مند بودم و هم به کتاب، به سمت انتشارات انجمن فیزیک کشیده شدم و اولین مشق‌های ترجمه را همان‌جا آغاز کردم. در سال پایانی دوره کارشناسی ام، دکتر خواجه‌پور — که علاقه‌ها و ویژگی‌هایم را بسیار خوب شناخته بودند — توصیه کردند تا تحصیلاتم را تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه دهم. هنوز صدای‌شان در گوشم هست: «فوق‌لیسانس رو حتماً بگیر؛ بعد فکر کن که می‌خواهی تا دکتری ادامه بدهی یا نه.» و گفتند که قرار است، با دکتر ثبوتی، دانشگاهی مخصوص دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در زنجان راه بیندازند که اگر آنچه در ذهن و دل دارند محقق شود، از دانشگاه‌های تراز اول ایران خواهد شد. گفتند: «برای امتحان فوق‌لیسانس بخوان و بیا به آن دانشگاه.» سال ۱۳۷۲ بود. در امتحان کارشناسی ارشد شرکت کردم. چند دانشگاه در تهران پذیرفته می‌شدم، اما تصمیم گرفتم یک سال تمام‌وقت بکوشم و بختم را برای ورود به مرکز تحصیلات تکمیلی امتحان کنم. تابستان آن سال را عمدتاً در زنجان گذراندم. شمه‌ای از شرح سفر اولم را کمی پیش‌تر آوردم. آن تابستان بیشتر به کارهای انتشارات انجمن فیزیک گذشت. دکتر خواجه‌پور، برای سرعت بخشیدن به کارها، در زنجان هم دفتری برای انتشارات انجمن تأسیس کرده بودند. در آن تابستان، دو دوره فشرده با تدریس دکتر کاردر (از دانشگاه ام‌آی‌تی) و دکتر رنجبر از (آی‌سی‌تی‌پی) برگزار شد. سختی و فشرده‌گی این دوره‌ها به من ثابت کرد که درس خواندن در آنجا اصلاً کار آسانی نخواهد بود.

سال ۱۳۷۳، در دوره کارشناسی ارشد رشته فیزیک مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان پذیرفته شدم. از آن پس، در گذر سال‌ها، زیر نظر دکتر خواجه‌پور و دکتر ثبوتی درس خوانده‌ام و کار کرده‌ام و بسیار آموخته‌ام. این بخت نیز نصیبم شد تا بیشتر

و بیشتر شاهد برخی ویژگی‌های مدیریتی آنها باشم. بارها و بارها دیدم که چگونه با سعه صدر، با تلاش، درایت و روشن‌اندیشی صوری به خرج دادند و کارهایی ناممکن را ممکن کردند. احساس می‌کردم که لازم است همه آن تلاش‌ها و روشن‌اندیشی‌ها را برای نسل‌هایی که در آینده به این دانشگاه می‌آیند روایت کرد.

برای روایت سرگذشت سال‌های اول دانشگاه، طرح‌های زیادی در سر پروراندم. اسناد و مدارک گویای روند ساخت و پیشرفت دانشگاه‌اند، اما همه‌چیز را بازگو نمی‌کند و سختی‌های راه و شادی‌های ساخت را نشان نمی‌دهند. در ابتدا تصمیم گرفتم با بسیاری از همکاران روزهای اول دانشگاه مصاحبه کنم و گفته‌های تک‌تکشان را بیاورم، بلکه تب‌وتاب روزهای شکل‌گیری دانشگاه تا حدی آشکار شود؛ اما پروژه‌ای بزرگ‌تر از توان من بود. در طرحی دیگر، خواستم کار را فقط با دکتر ثبوتی و دکتر خواجه‌پور پیش ببرم، اما دکتر خواجه‌پور، برخلاف دکتر ثبوتی که یادداشت‌های‌شان در گذر سال‌ها یادآوری بسیاری از رویدادها را ممکن می‌کرد، یادداشتی از آن دوران نداشتند. از سوی دیگر، احتیاط و دقتِ وسواس‌گونه دکتر خواجه‌پور مانع از آن بود که به حافظه‌شان اعتماد و رویدادها را فقط براساس یادمانده‌های خود نقل کنند. این شد که من ماندم و یادداشت‌های دکتر ثبوتی.

با خواندن یادداشت‌های استاد یوسف ثبوتی، فهمیدم که ایشان اندیشه راه‌اندازی دانشگاهی مختص تحصیلات تکمیلی و در حوزه علوم پایه را از چند دهه قبل در ذهن و دل داشته‌اند و هیچ‌گاه از امید و تلاش برای تأسیس آن دست برنداشته بودند؛ امید و تلاشی که به بنیان‌گذاری «دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه» انجامید. خوشبختانه استاد، در طی سال‌های شکل‌گیری دانشگاه، در حد مجالی که کارهای دانشگاه باقی می‌گذاشت، از رویدادها، ملاقات‌ها و اهداف یادداشت‌هایی نوشته بودند. این یادداشت‌ها، گرچه تا حدی پیچ‌وخم کار را نشان می‌داد، اما مانند خود استاد، تا حد زیادی هم ساکت بودند و به‌واقع بازتابی از شخصیت خود ایشان‌اند که همیشه به دنبال راهی برای بیرون رفتن از بن‌بست‌ها و دورزدن موانع و گشودن گره‌ها هستند نه بازتاب آنها. خواننده می‌بایست این گره‌ها را با فراست خود دریابد و تصور کند؛ فقط به این ترتیب معلوم می‌شود که چگونه می‌توان راه دراز و سخت بنیان نهادن چنین دانشگاهی را پیمود و فقط به این اعتبار است که این یادداشت‌ها می‌تواند چراغ راه سازندگی مدیران امروز و فردا باشد.

یادداشت‌ها را کافی ندیدم. می‌خواستم مفصل‌تر باشند؛ دغدغه‌ها و راه‌های برون‌رفت از مشکلات را عیان‌تر کنند. به علاوه، چه بسیار افرادی که در یادداشت‌ها فقط اشاره‌ای به نامشان بود و خواننده به تخصصشان و زحماتی که برای دانشگاه کشیده بودند پی نمی‌برد. سرانجام، بهتر آن دیدم که سطرهای خالی را با سخنان خود دکتر ثبوتی پُر کنم. حاصل روزهایی که به گفت‌وگو با ایشان گذشت، کتابی است که اکنون در دست دارید، تلفیقی از مصاحبه‌هایی با استاد، یادداشت‌های روزانه ایشان و گزیده سندهایی که در کنار هم روایتی از نقاط عطف پایه‌گذاری و توسعه دانشگاه به دست می‌دهند.

مصاحبه‌ها، از بهار ۱۳۹۳ تا پاییز ۱۳۹۵، در منزل دکتر ثبوتی انجام گرفته است. غالباً در پایان روزهای پرمشغله ایشان و درحالی که نشانی از خستگی در چهره و رفتارشان نبود و تمام پرسش‌ها را سر حوصله و با دقت و حضور ذهنی شگرف پاسخ می‌گفتند.

در یادداشت‌های دکتر ثبوتی، نام‌هایی بود که نتوانستم بخوانم. به کمک حافظه دکتر ثبوتی، برخی از آنها خوانا شد ولی خود ایشان نیز درباره برخی دیگر تردید داشتند و نمی‌خواستند نامی در کتاب بیاید که به آن مطمئن نیستند. از این رو، در میان یادداشت‌ها گاهی با علامت [؟] مواجه می‌شوید. در موارد اندکی نیز افزودن یکی چند کلمه مطلب را روشن‌تر می‌کرد که آنها را در میان [] آورده‌ام تا شرح من از نوشته استاد متمایز باشد. در بازخوانی یادداشت‌ها، دکتر ثبوتی در چند مورد افزودن نکته‌ای را لازم دیده‌اند که در پانوشت‌ها (غالباً با قید تاریخ تحریر) درج شده است. پانوشت‌های بخش‌های دیگر را بنده نوشته‌ام.

تهیه این کتاب گرچه بر عهده من بوده است، و طبعاً خطاها و کاستی‌هایش هم مربوط به من است، اما بی‌یاری دوستان، مشاوران و همیارانی میسر نمی‌شد. از کمک‌های خانم فریبا افشار در تهیه اسناد بسیار سپاسگزارم. خانم فائزه طباطبایی تمام کتاب را با دقت و حوصله خواندند و نکاتی را متذکر شدند. دکتر فرهاد ثبوتی، آرش بهبودی و حمیدرضا محمدی خالصی فرد بخش‌هایی از کتاب را خواندند و پیشنهادهایی ارزنده به من دادند. از همگی این عزیزان سپاسگزارم. از همه مهم‌تر حمایت، همراهی، شکیبایی و مهربانی دکتر ثبوتی بود که هرچه سپاسگزارشان باشم کم است.

هنگامی که تحریر این کتاب، در سال ۱۳۹۳، به جایی رسیده بود که برایش در پی ناشری باشم، به توصیه آقای رضا رضایی، به دیدار آقای جعفر همایی (مدیر نشر نی)

رفتم. از روزی که ایشان نسخه پیش نویس را از نظر گذراندند و پذیرفتند که کتاب را منتشر کنند، بیش از هفت سال گذشته و صنعت نشر ایران در این سال ها دشواری های بسیاری را از سر گذرانده و همچنان با سختی های بسیاری روبروست، اما آقای همایی از عهد خود برنگشتند. از ایشان و همچنین از «بنیاد ثبوتی» و از تمام یاری دهندگان دیگر سپاسگزارم. می دانم که حاصل تلاشم بس ناقص و ناگفته ها همچنان باقی است، اما امیدوارم که این برگ ها سرآغازی باشد بر دفترهایی که روایتی روشن تر و دقیق تر و جامع تر از کوشش های تمام دست اندرکاران تأسیس این دانشگاه به دست دهند. چنین باد!

ماندانا فرهادیان

تابستان ۱۴۰۱

سراغاز

یادداشت‌های دکتر ثبوتی، سال ۱۳۷۱

شنبه ۱۶ آبان ۱۳۷۱، مطابق با هفتم نوامبر ۱۹۹۲

با همسرم از تریسته به میلان می‌رویم. قرار است مرخصی مطالعاتی یک‌ساله‌ام را در بوستون بگذرانیم، ولی با در پیش بودن پروژه «مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه» در زنجان به وزارت علوم و به خودم قول داده‌ام پس از سه‌چهار ماه به ایران برگردم و مرکز یادشده را راه بیندازم. در نظر دارم پیشرفت کار و حوادث مربوط به آن را کم‌وبیش روی کاغذ بیاورم. تا خدا چه بخواهد و یادداشت‌ها به چه دردی بخورند. لازم است کمی به گذشته برگردم و از اینکه چگونه به این فکر افتادم کمی تعریف کنم.

در پاییز سال ۱۳۴۳، پس از یک سال کار در دانشگاه نیوکاسل انگلستان در دپارتمان ریاضی، در دانشگاه پهلوی شیراز استخدام شدم. بیست‌وهشت سال و دوسه ماه از آن تاریخ می‌گذرد. قسمت اعظم این مدت را به درس و مشق برای دانشجو و خودم پرداخته‌ام. کمتر به مسائل مدیریتی پرداخته‌ام. اگر جانب انصاف را بخواهم بگیرم باید اذعان کنم در نظام دانشگاهی کسی هم پیشنهاد جدی کار مدیریت به من نکرده است. شاید به این سبب که اکثر مواقع جزو معترضین به مدیریت‌ها بوده‌ام که ظرایف مربوط به محیط‌های آموزشی و پژوهشی پیشرفته را نمی‌دانند؛ بوروکرات و کُندکار و دور از تحولات روز هستند و غیره. طبیعی است که مدیران از چنین آدمی پرهیز کنند و عطایش را به لقایش ببخشند. اما در آنچه که انجام داده‌ام گمان می‌کنم موفق بوده‌ام یا اقلاً خودم چنین

فکر می‌کنم. دانشجو و همکار به‌عنوان یک معلم خوب قبولم دارند و احترام می‌کنند. علی‌الظاهر آنچه به نام پژوهش علمی انجام داده‌ام از نظر دور نبوده است، چه در سال‌های اخیر جزو اولین افرادی بوده‌ام که به عضویت آکادمی علوم جهان سوم و فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده‌ام. خدایا کمکم کن که شایستگی این احترام‌ها و این حسن‌نظرها را تا پایان عمر داشته باشم و ضایعشان نکنم.

پس از انقلاب اسلامی ایران، دانشگاه‌ها و از جمله دانشگاه شیراز به بحران‌های کم‌وبیش جدی گرفتار شدند. بسته شدن دانشگاه‌ها به مدت بیش از یک سال به نام انقلاب فرهنگی فرصت ناخواسته‌ای در اختیارم گذاشت که به حاصل کار چهارده پانزده ساله آن روز خودم و دوستانم، و به طور کلی دانشگاه شیراز و دیگر دانشگاه‌ها، فکر کنم. نظرات انتقادآمیزی را که تا آن روز ابراز کرده بودم دوباره در ذهنم مرور کردم و نتوانستم از آنها صرف‌نظر کنم و خودم را (به جز در چند مورد برخورد‌های شخصی) محق ندانم. اهم آنها به شرح زیرند:

استاد و دانشجو و کارمند اداری به قدر کافی پرکار و سخت‌کوش نیستند. اگر کارمند اداری معذور است که به قدر ارزش حقوق ماهانه‌اش کار می‌کند، استاد و دانشجو نمی‌توانند و نباید از این مستمسک استفاده کنند. نسبت کارمند اداری به کادر آموزشی، در همه جا و من جمله در شیراز، بسیار نامتعادل است و بازدهی کار دانشگاه را که مآلاً باید تعلیم و تعلم باشد به شدت پایین می‌آورد. مسائل آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها تحت الشعاع مسائل انسانی ناشی از تورم کارمند اداری قرار می‌گیرد. وقت مدیران اکثراً صرف حل و فصل مشکلات اخیر می‌شود و برای سیاست‌گذاری دانشگاهی اگر هم وقوفی باشد فرصت کافی نمی‌ماند.

ارتباطات با مجامع علمی دنیا سریع و سیال و سهل الوصول نیست. بنابراین دسترسی به خط اول مسائل پژوهشی روز ممکن نیست و پژوهش سر نمی‌گیرد و شکوفا نمی‌شود. دردناک اینکه تعداد معتاب‌هی از کادر آموزشی همیشه طالب کارهای مدیریتی‌اند و وقتی هم که آن را به دست می‌آورند کار اصلی خود را فراموش می‌کنند، گویی به همه آرزوهایشان رسیده باشند. و خیلی چیزهای دیگر.

از خودم پرسیدم چگونه می‌شود این عیب‌ها را نداشت و باز به خودم جواب دادم باید جایی درست کرد که این کمبودها را از اول نداشته باشد. ولی چگونه؟ به دست که و با حمایت چه کسی؟

پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، دوباره نظام مرخصی مطالعاتی برقرار شد. داوطلب شدم و موافقت شد که مدت یک سال را در دانشگاه شیکاگو بگذرانم. همسر، دخترم و پسر کوچکم همراهی‌ام کردند. پسر بزرگم به سبب سربازی نتوانست بیاید. دکتر یارمحمدی و خانواده‌اش هم در حول و حوش شیکاگو بودند. غربت سبب شد که به همدیگر بیشتر نزدیک شویم و بیشتر درد دل کنیم. در پاییز سال ۱۳۶۴، که هر دو به شیراز بازگشتیم، یک شب با بچه‌ها در خانه‌شان مهمان بودیم. پس از شام، صحبت از امکان تأسیس دانشگاه‌های خصوصی پیش آمد. این موضوع سر زبان‌ها بود و آئین‌نامه‌های وزارت علوم چنین چیزی را پیش‌بینی کرده بود، گو اینکه جو حاکم بر آن روزهای کشور تحقق آنها را منع می‌کرد. یادم نیست که دانشگاه آزاد در آن روزها تا چه اندازه در این راستا پیش رفته بود و در بین مردم جا باز کرده بود، ولی چند عامل بود که تحقق دانشگاه‌های خصوصی را محتمل می‌ساخت. نخست اینکه به سبب تنزل ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی تحصیل در دانشگاه‌های خارج بسیار گران شده بود و از عهده خیلی از خانواده‌ها خارج بود. دوم اینکه دانشجو، مادام که دانشجو بود، از خدمت سربازی معاف بود. این فرصت در شرایط سخت جنگ، اگر چنگ کسی می‌افتاد، مغتنم بود.

به نظرم رسید اگر دنبال تأسیس دانشگاه خصوصی بروم شاید بتوانم بعضی از آرزوهایم را برآورده سازم و مقداری از نظراتم درمورد یک دانشگاه مناسب را بتوانم به این ترتیب جامه تحقق ببوشانم. با دکتر یارمحمدی نظرم را در میان گذاشتم. با یکی دو نفر دیگر هم صحبت کردم. پسندیدند و قول همکاری دادند. در این میان، ساختار وزارت علوم آنطور که آن را می‌شناختم (که زیاد هم عمیق و وسیع نبود) عوض شده بود. شناختم از ادارات و افراد مختلف و وظایف آنها را از دست داده بودم. یک سال تمام سعی کردم کانال مناسب وزارت علوم را پیدا کنم. با افرادی که بعدها فهمیدم اصلاً موضوع در حدود وظایف آنها نبوده تماس‌های بیهوده گرفته‌ام. با بازاری‌هایی که به هیچ درد نخوردند، به امید کمک مالی، وارد گفت‌وگو شدم. با افرادی که فکر می‌کردم در نظام جدید نفوذ دارند و حرف‌هایم را می‌فهمند تماس برقرار کردم. همه بی‌حاصل بود. شاید هم حرفی برای فهمیده شدن نداشتم و بیخودی امر به خودم مشته شده بود.

چند وقتی گذشت، بدون اینکه فکر یک دانشگاه از آن خودم و با فکر و سلیقه خودم از مغزم بیرون برود. یک روز در یکی از بازدیدهای خانوادگی با دایی همسر هم صحبت شدم.

خبر یافتیم برای تأسیس یک دانشکده پزشکی و یک درمانگاه در زنجان مبلغ قابل توجهی خرج کرده است که پس از ساخته شدن در اختیار وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است. برای این عمل خیرش تبریک گفتم و گفتم که من هم چنین نظری دارم؛ آیا به من هم کمک می‌کند؟ نه نگفت و توصیه کرد با یکی دو نفر دیگر از متمکنین که معرفی می‌کند صحبت کنم. در آن زمان، به نظرم می‌رسید تهران برای کاری که در نظر دارم مناسب‌تر باشد. در جلب موافقت افرادی که با آن‌ها تماس گرفتم موفق نشدم. یکی از عوامل عدم موفقیت طرز تفکر افراد بود که در تهران هر چیزی که انجام بگیرد گم خواهد شد و به نظر نخواهد آمد. در هر حال، مدتی هم به این ترتیب صرف کردم و همکاران دیگری از تهران پیدا کردم و آنهایی را که از شیراز انتخاب کرده بودم رها کردم، ولی باز به جایی نرسیدم. به نظرم رسید بعضی‌ها که قول همکاری می‌دادند خیال می‌کردند من چیزی آماده کرده‌ام و قول می‌دادند که اگر بقیه کارها را درست کنم، در مراحل آماده‌بندی، کمک خواهند کرد. بیش از چهار سال از فکر اولیه‌ای که داشتم گذشت.

زمانی هم موضوع دانشگاه غیردولتی را با دکتر منصوری مطرح کردم. به شدت مخالفت کرد. استدلال می‌کرد چرا در قالب همین دانشگاه‌های موجود همین کارها را نکنیم و همین حرف‌ها را جامعه عمل نپوشانیم. اگر این نظرات و افکار جامعه عمل پوشاندنی هستند باید در دانشگاه‌های موجود قابل تحقق باشند و اگر تراویده از یک ذهن ایده‌آل پرورند به صورت دیگر و در جای دیگر هم پیاده‌شدنی نیستند. استدلال من این بود که در دانشگاه‌های موجود سنت‌های کم‌وبیش کهنی به وجود آمده‌اند. اولاً ما، به خصوص خود من، محلی از اعراب در مدیریت‌های دانشگاهی نداریم که به کاری دست بزنیم. ثانیاً برداشتن یک چیز کهنه و به جای گذاشتن یک چیز نو کار و انرژی بیشتری می‌خواهد تا ساختن یک چیز تازه از بنیاد. در استدلال هر کدامان مقداری واقعیت و مقداری نادرستی وجود داشت. در هفت‌هشت سال اخیر، زیاد به مرکز بین‌المللی فیزیک نظری (ICTP) رفت‌وآمد کرده‌ام. ICTP زاینده فکر عبدالسلام اهل پاکستان و برنده جایزه نوبل فیزیک ۱۹۷۸ است. در این مدت با دکتر سیف‌الله رنجبر، که در آن زمان رئیس قسمت «انرژی‌های بالا»ی ICTP بود، آشنا شده‌ام. او به وضع دانش و پژوهش علوم در ایران و کاستی‌ها و دستاوردهای فرهنگی ایران بسیار علاقه‌مند است و هیچ فرصتی را برای بحث با هر کسی که از ایران ببیند از دست نمی‌دهد. در چند سال متوالی، دوتایی با هم و سه نفری با دکتر

منصوری در مورد آموزش عالی، فیزیک بالاتر از لیسانس، صحبت‌های زیادی داشته‌ایم. از نقطه نظرهای متفاوت و مشترک یکدیگر آگاه شده‌ایم و بالطبع تأسیس مراکز پژوهشی و آموزشی با هدف‌های خاص را از نظر گذرانده‌ایم.

تغییر دیگری هم در کار دانشگاهی‌ام در چند سال اخیر در ایران به وجود آمده است. چند سال است بیشتر اوقاتم را در دانشگاه شیراز صرف دانشجویان فوق لیسانس و در سه سال اخیر کلاً صرف دانشجویان دکتری می‌کنم. دکترای فیزیک دانشگاه شیراز را به تنهایی، و از شخص دکتر فرهادی، وزیر وقت علوم، مجوز گرفته‌ام و در مواردی علی‌رغم خواسته بعضی از همکارانم اداره می‌کنم. نباید این توهم را به وجود آورم که هیچ‌یک از همکارانم در شیراز به کار دکتری کمک نمی‌کنند، ولی این نوع کمک‌ها از حد امتحان ورودی گرفتن و تدریس یکی دو درس تجاوز نکرده است. دو عامل اخیر الذکر توجهم را بیشتر به مسائل آموزش در سطح کارشناسی ارشد و دکتری جلب کرده است، به خصوص که متوجه شده‌ام دانشگاه‌های ما که تازه شروع به افتتاح دوره‌های دکتری کرده‌اند کمبودهای اساسی دارند. اولاً مدیریت دانشگاه‌ها عملاً تفاوتی بین آموزش در سطح دکتری و کارشناسی ارشد، و آموزش در سطح کارشناسی نمی‌گذارند و اولی را دنباله طبیعی دومی تلقی می‌کنند. ثانیاً گروه‌هایی که داوطلب تدریس دوره‌های دکتری شده‌اند به ندرت خود در خط مقدم یافته‌های علمی قرار دارند و کمتر می‌توانند مسئله پژوهشی‌ای به دانشجو بدهند که در سطح جهانی مطرح باشد. بنابراین، بیشتر به این فکر می‌کنم که محیطی برای آموزش‌های عالی دکتری و کارشناسی ارشد مطابق با سلیقه خود و جدا از مسائل آموزش لیسانس داشته باشیم. به دولتی و غیردولتی‌اش هم، مادام که طراحش خودم و افرادی نظیر خودم باشند، فکر نمی‌کنم. در سطح جامعه وضع کمی عوض شده است. به نظر می‌رسد، برای کسانی که حرفی برای گفتن داشته باشند، گوش شنوایی در بین اولیای امور پیدا می‌شود. اقلأ در وزارت علوم وضع اینطور به نظر می‌رسد. شاید هم همیشه همین‌طور بوده و من که شناختم را از دست داده بودم دوباره به دست آورده‌ام و با قسمت‌های مختلف وزارتخانه و مصادر امور آن آشنایی بیشتری پیدا کرده‌ام. شاید هم مصادر امور که در سال‌های بلافاصله بعد از انقلاب به کار گمارده شده بودند، و بالطبع از قدیمی‌ها کم اطلاع بودند، مجال کرده‌اند دوروبر خودشان را نگاه کنند و بعضی را بشناسند و احياناً من و امثال من هم جزو آنها بوده باشیم ...

بجستار

(۱)

موسسه عالی
وزارت فرهنگ و آموزش عالی
دفتر وزیر

تاریخ
شماره
پیوست

برادر گرامی جناب آقای دکتر یوسف نبوتی

با احوالای سلامتی و درود

نگارنده سوابق علمی و تجارب ارزنده جنابعالی
طنی مراحل حساس گذشته ، به موجب این حکم به سمت
رئیس مرکز تحولات تکمیلی معلوم پایه - زنجان
منسوب می گردید.

امید است با عنایت به اصول و آرمانهای بلند و والاتر
انقلاب اسلامی به تأکید بر حلقه موازیات گرانگیزی که
فریاد و شایسته و ضرورت معمار فکری انقلاب اسلامی ،
حضرت امام خمینی (ره) فراهم آمده است ، مرادای
دین و امانت نسبت به شهیدان سرافراز و مستور
ایثارگر کشور ، موفق باشید. انتظار دارم با پیروی
از تعامی نیروهای متعهد و عالم ، در محیطی آکنده
از صمیمی ، وفای و تلاش ، ارتقا و اعتلای هر چه بیشتر
آن مرکز فراهم آید و ضرورت مرحله ، پیشرفت امور را به
این وزارت گزارش خواصه خرد. / ب

دکتر یوسف نبوتی
وزیر فرهنگ و آموزش عالی

۹/۵۵۸۲

۷۱,۲۱۳

رونوشت :

- ۱ - برادران معاونان و مشاوران
- ۲ - دانشگاه / مجتمع آموزش عالی
- ۳ - اداره کل روابط عمومی

۲۹
۷۱,۲۱۳
۱۰۰
۱۰۰



بسمه تعالی

معرفی نامه مدیران آموزش عالی
=====

* نام و نام خانوادگی : یوسف ثبوتی

* سال تولد : ۱۳۱۱ محل تولد : زنجان

* سال و محل اخذ مدرک :
دپلم متوسطه : ۱۳۲۹ - زنجان
گارشناسی : ۱۳۳۲ - دانشگاه تهران (فیزیک)
گارشناسی ارشد : ۱۳۳۹ - دانشگاه تورنتو کانادا (فیزیک)
دکترای تخصصی : ۱۳۴۲ - دانشگاه شیکاگو آمریکا (نجوم و استروفیزیک (Ph.D.)

* رتبه علمی ، پست سازمانی ، وضعیت استخدامی :
استاد رسمی دانشگاه شیراز و رئیس مرکز تحقیقات تکمیلی در علوم پایه - زنجان

* فعالیت‌های علمی

- آموزشی
استادیار بحث ریاضی، دانشگاه نیوکاسل انگلستان ۳۳-۱۳۴۲
دانشیار بحث فیزیک، دانشگاه شیراز ۵-۱۳۴۳
دانشیار مدعو بحث نجوم، دانشگاه پنسیلوانیا آمریکا ۳۸-۱۳۴۷
استاد فیزیک، دانشگاه شیراز
محقق ارشد استثنیوی نجوم و استروفیزیک، دانشگاه امستردام هلند ۵۳-۱۳۵۳
محقق مدعو بحث نجوم و استروفیزیک، دانشگاه شیکاگو آمریکا ۶۴-۱۳۶۳
استاد مدعو بحث فیزیک، دانشگاه نورث ایسترن بوستون آمریکا ۷۱-۱۳۷۰
عضو وابسته مرکز بین‌المللی فیزیک نظری (تریست ایتالیا) ۷۲-۱۳۶۶
- پژوهشی
۸۸ مقاله پژوهشی در مجلات بین‌المللی، اغلب در استروفیزیکال جورنال و مجلد استرونومی و استروفیزیک اروپا
ترجمه دو کتاب تحول ستارگان، انتشارات دنا، و فیزیک گرمایی، نشر دانشگاهی (در دست چاپ)، لیست مقالات پیوست است.

* فعالیت‌های اجرایی

رئیس بحث فیزیک دانشگاه شیراز ۵۳-۱۳۵۰ و ۶۰-۱۳۵۸
موسس و رئیس رمدخانه ابوریحان بیرونی، دانشگاه شیراز ۵۹-۱۳۵۳
عضو شورای دانشگاه شیراز ۵۷-۱۳۵۵
عضو هیئت ممیزه دانشگاه شیراز ۷۰-۱۳۴۸
عضو هیئت ممیزه مرکزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۷۱-۱۳۷۱
موسس و رئیس مرکز تحقیقات تکمیلی در علوم پایه - زنجان ۷۰-۱۳۷۰
دبیرکل دفتر منطقه‌ای شبکه سازمان‌های علمی جهان سوم ۷۲-۱۳۷۲
رئیس انجمن فیزیک ایران ۶۵-۱۳۶۷ و عضو هیئت مدیره ۷۰-۱۳۶۲

* فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی اجتماعی

عضو هیئت موسس و هیئت مدیره انجمن فیزیک ایران ۵۳-۱۳۵۰ و ۷۰-۱۳۶۲
عضو جامعه منجمین آمریکا ۷۰-۱۳۴۷
عضو انجمن بین‌المللی نجوم ۷۰-۱۳۴۸
عضو هیئت مشاوران مجله علوم و تکنولوژی ایران ۵۳-۱۳۵۰
عضو هیئت تحریریه مجله علوم و تکنولوژی ایران ۶۲-۱۳۶۲
عضو هیئت مشاوران مجله فیزیک ایران ۶۵-۱۳۶۵
عضو آکادمی علوم جهان سوم
عضو فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران
عضو شورای علمی مرکز بین‌المللی فیزیک نظری (تریست ایتالیا)
منوب از طرف یونسکو و آژانس بین‌المللی انرژی
عضو شورای عالی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز
پیشهاد دهنده و پیگیر برنامه گارشناسی ارشد فیزیک (۱۳۳۶)
و برنامه دکترای فیزیک (۱۳۶۵) در دانشگاه شیراز
شرکت در بیش از ۶۰ کنفرانس علمی و سمینار و کارگاه‌های آموزشی
در سراسر دنیا
تاکسون - ۱۳۴۰

بسته

۷۵۷/۲۹
۱۹۰۴/۸۸۹۷
پیت



جناب آقای دکتر یوسف ثبوتی

با اهدای سلام و درود،

نظر به تصویب تاسیس مرکز تحصیلات تکمیلی
در علوم پایه توسط شورای گسترش آموزش عالی
به موجب این حکم مسئولیت راه اندازی مرکز فوق
به جنابعالی واگذار می شود. امیداست در خدمت هرچه
بیشتر به جامعه علمی میهن اسلامی موفق باشید. /ن

با آرزوی توفیق الهی
دکتر مصطفی معین
وزیر فرهنگ و آموزش عالی

۱۳۸۵/۱۲/۲۵
۷۱/۶/۱۳۵

تاریخ: ۲۰۱۸/۶/۲۱
شماره: ۳۳۳/۳
پیوست: ۱
ولادت: ۱۳۳۷/۱۰/۱۰
کتابخانه

بجای



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ، آموزش عالی

برادرگرامی آقای دکتر ثبوتی

ریاست محترم مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه (زنجان)

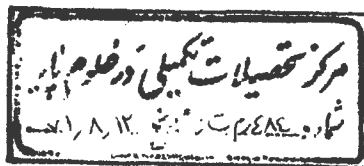
به پیوست اسانامه مرکز تحصیلات تکمیلی در
علوم پایه مصوب جلسه مورخ ۷۱/۶/۲۱ شـورای
گسترش آموزش عالی که بامضای مقام محترم وزارت
رسیده است جهت اجراء ، ابلاغ می‌گردد./ش

عبدالحمید ریاضی

معاون آموزشی

رونوشت :

- دفتروارتی همراه بایک نسخه اسانامه مرکز تحصیلات
- تکمیلی در علوم پایه برای استحضار مقام محترم وزارت .
- دفتر هیاتهای امناء .



بسم الله الرحمن الرحيم

اساسنامه مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه صفحه ۹

فصل اول : کلیات

ماده ۱- مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه که در این اساسنامه مرکز نامیده می شود، دانشگاهی است آموزشی و پژوهشی و طبق مقررات این اساسنامه اداره می شود و محل آن زنجان است.

ماده ۲- مرکز از نقطه نظر وظایف آموزشی و پژوهشی و مدیریت، دانشگاهی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی بوده و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است. کلیه امور مالی و معاملاتی مرکز خارج از قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولتی و یارعايت آئين نامه های مالی و معاملاتی که به تصویب هیئت امنا می رسد، انجام می گیرد.

ماده ۳- هدف مرکز ایجاد محیطی آموزشی و پژوهشی است که در آن آموزش در عالی ترین سطح علمی باشد و پژوهش بنیادی و کاربردی در مسائل روز علوم پایه انجام گیرد.

تبصره : منظور از علوم پایه که در این اساسنامه علوم نامیده خواهد شد، عبارت است از فیزیک، شیمی، ریاضیات، علوم زیستی، علوم مربوط به زمین و محیط زیست، و تکنولوژیهای پیشراندهای که پژوهش در آنها با رشته های یاد شده پیوند نزدیک دارند.

ماده ۴- مرکز، وظیفه دارد که در قالبی متناسب با ماده ۳، کادر علمی، فنی و اداری لازم را تامین کند. تسهیلات آموزشی و پژوهشی مورد نیاز را فراهم کند و به پذیرش و آموزش دانشجویان اقدام کند.

ماده ۵- ارکان مرکز عبارتند از:

۱-۵/ هیئت امنا

۲-۵/ رئیس مرکز

۳-۵/ شورای علمی

ماده ۶- اعضای هیئت امنا عبارتند از :

- ۱-۶ وزیر فرهنگ و آموزش عالی (رئیس هیئت)
- ۲-۶ معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
- ۳-۶ وزیر صنایع و معادن یا نماینده شام‌الاختیار او
- ۴-۶ استاندار استان زنجان
- ۵-۶ رئیس مرکز (دبیر هیئت امنا)
- ۶-۶ سه نفر از صاحب‌نظران علوم بد پیشنهاد شورای علمی و تایید رئیس هیئت امنا که به مدت چهار سال منصوب می‌شوند.
- ۷-۶ یک نفر از معتمدین استان به پیشنهاد رئیس مرکز و تایید رئیس هیئت امنا که به مدت چهار سال منصوب می‌شو د.

ماده ۷- جلسات هیئت امنا حداقل هر شش ماه یک بار به دعوت رئیس هیئت امنا تشکیل می‌شود.

تبصره : ۱- جلسات هیئت امنا با حضور دو سوم اعضا رسمیت می‌یابد.
۲- تصمیمات هیئت امنا حداقل با رای موافق پنج نفر از اعضا معتبر است.

ماده ۸- وظایف هیئت امنا عبارت است از :

- ۱/۸ : تهیه آئین نامه داخلی هیئت امنا
- ۲/۸ : تهیه سازمان و تشکیلات اداری مرکز
- ۳/۸ : تهیه آئین‌نامه‌های مالی ، عظاماتسی اداری به پیشنهاد رئیس مرکز
- ۴/۸ : تهیه بودجه مرکز و پیشنهاد آن به مراجع ذیربط
- ۵/۸ : تهیه احذ وام برای طرحهای عمرانی و چگونگی جلب‌هدایا و کمکهای مالی اشخاص حقیقی و حقوقی
- ۶/۸ : تهیه بودجه تفعلیلی مرکز

صفحه ۳

۷/۸ : رسیدگی به گزارش فعالیتهای سالانه مرکز و اتحاد

تعمیم در چارچوب خط مافی مرکز

۸/۸ : تعویب اصول برنامه های توسعه مرکز

۹/۸ : بررسی پیشنهادات شورای علمی در مورد تاسیس یا تعطیل و

انحطال رشته و واحدهای آموزشی و پژوهشی مرکز و اراده آن

به حسب مورد به شورای گسترش آموزش عالی کشور جهت

تعمیم

۱۰/۸ : رسیدگی به حسابها و تعویب ترانزنامه سالانه مرکز

۱۱/۸ : تعویب اعلای درجاست و عناوین اختفاری مرکز که شورای

علمی به هیئت امنای پیشنهاد می کند.

۱۲/۸ : پیشنهاد هر گونه تغییر یا املاح مواد اساننامه به شورای

گسترش آموزش عالی

ماده ۹- رئیس مرکز بالاترین مقام اجرایی مرکز می باشد و طبق مفاد این

اساننامه امور مرکز را اداره می کند. رئیس مرکز به پیشنهاد

شورای علمی و تعویب و حکم وزیر فرهنگ و آموزش عالی منصوب

می شود.

وظایف رئیس عبارتند از :

۱/۹ - اداره و هدایت مرکز و نظارت بر حسن اجرای فعالیتهای

مرکز اعم از جاری و عمرانی ، در چارچوب اساننامه

۲/۹ - اجرای کلیه معویات هیئت امنای

۳/۹ - اجرا و نظارت بر حسن اجرای برنامه ها و طرحهای آموزشی

و پژوهشی معویب شورای علمی مرکز

۴/۹ - ایجاد ارتباط و هماهنگی بین مرکز و سایر مراکز آموزشی و

پژوهشی مرتبط با اهداف مرکز در داخل و خارج کشور

۵/۹ - حفظ داراییها ، اموال ، اسناد و اوراق بهادار موسسه و

دفاع از منافع مرکز

صفحه ۴

۶/۹ - تنظیم و عقد کلیه قراردادها و امضای اسناد مالی و

افتتاح حساب در بانکها

تیمبره : رئیس می تواند افرادی را به نمایندگی خود ، با

امضای مجاز برای عقد قراردادها و اسناد مالی ، در

چارچوب مقرراتی که نوشته خواهد شد ، معرفی کند .

۷/۹ - نمایندگی مرکز در کلیه مراجع اداری و قضایی یا حق

انتخاب وکیل به منظور استیفای حقوق مرکز

۸/۹ - ارائه بودجه سالانه مرکز به هیئت امنا

۹/۹ - تهیه و تنظیم بودجه تفعلیلی مرکز و ارائه آن به هیئت

امنا

۱۰/۹ - گزارش و ارائه حسابها و ترازنامه سالانه مرکز به هیئت

امنا

۱۱/۹ - تهیه طرح سازمان و تشکیلات مرکز و تدوین آئین نامه های

اداری داخلی و پیشنهاد آن به هیئت امنا .

۱۲/۹ - نصب و عزل کلیه کارکنان مرکز بر اساس تشکیلات مرکز

۱۳/۹ - پیشنهاد آئین نامه های مالی و معاملاتی و اداری به هیئت

امنا

۱۴/۹ - گزارش فعالیت های سالانه مرکز به هیئت امنا

۱۵/۹ - پیشنهاد تشکیل جلسات فوق العاده به رئیس هیئت امنا ،

بر حسب ضرورت

ماده ۱۰- شورای علمی مرکز متشکل است از کلیه اعضای تمام وقت هیئت

علمی مرکز با درجه دانشجویی به بالا

تیمبره : شورای علمی باید حداقل دارای پنج عضو باشد . در بدو

تأسیس مادی که مراعات این حد نصاب از میان اعضای هیئت

علمی مرکز مقدور نباشد ، به پیشنهاد رئیس مرکز و تصویب

حیثیت امنای افرادی از سایر مراکز علمی و دانشگاهی کشور به عضویت شورای علمی منصوب خواهند شد. این افراد باید حداقل دارای درجه دانشیاری باشند و به مدت پنج سال به عضویت شورای علمی منصوب می شوند.

وظایف شورای علمی عبارت است از :

۱/۱- احداث و تعمیر آئین نامه داخلی شورا

۱۰/۲. تدوین و تمویب سیاستهای آموزشی و پژوهشی مرکز در

چار چوب اهدا فٹ مرکز

۳/۱. حدودین و تمویب سیاست پذیرش دانشجو

۴/۱. بررسی و تمویب دوره های آموزشی و پژوهشی و سیمارهای

علمی گوشه مدت و بلند مدت در چارچوب اهداف مرکز و

طبق فتاویٰ و مقررات آموزش عالی کشور.

۱/۵- نظارت بر کیفیت و حسن اجرای طرحهای پژوهشی

۱/ گندوین برنامه‌های توسعه مرکز و تعلیم بودجه مربوط به آنها

و اراکه آن به هیئت امنای

۷/۱. متدوین آئین نامه های داخلی، استخدام و ارتقا و ترخیص

هیئت علمی در چارچوب مقررات عمومی استخدام هیئت‌ت

علمی دانشگاهها

۱/۸. پیشنهاد اعطای درجات و عناوین افتخاری به شخصیت‌های

ایرانی و خارجی، به ہیئت امنای

۹/۱. پیشنهاد تاسیس یا تعلیل و انحلال رشته یا واحدهای آموزشی

و پژوهشی مرکز به هیئت امناء

ماده ۱۱- مرکز دارای یک شورای مشورتی بین المللی است که اعضای آن از

میان صاحب‌نظران در علوم و فنون و آموزش عالی و پژوهش‌ها را

داخل و خارج کشور انتخاب می شوند. انتخاب اعضای شورای

صفحه ۶

مشورتی به عهده شورای علمی مرکز و تایید رئیس مرکز است. اعضای این شورا در مسائل عام علمی و پژوهشی مربوط به مرکز، چگونگی دستیابی به سطح علمی مورد نظر مرکز و جذب محققان برجسته و ارزیابی کلی عملکرد علمی مرکز، به طور فردی یا گروهی مورد مشورت شورای علمی و رئیس مرکز قرار می گیرند. اعضای شورای مشورتی بین المللی برای یک دوره پنج ساله انتخاب می شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. تبصره: تشکیل جلسات شورای مشورتی به پیشنهاد شورای علمی و تشخیصی و دعوت رئیس مرکز انجام می گیرد.

ماده ۱۲- منابع مالی مرکز

۱/۱۲- اعتباراتی که همه ساله تحت عنوان کمک در بودجه دولت منظور می شود.

۲/۱۲- وجوهی که مرکز بابت خدمات یا فروش تولیدات خود کسب می کند.

۳/۱۲- شهریه دانشجویان

۴/۱۲- هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی

ماده ۱۳- مقاطع تحصیلی مرکز عمدتاً کارشناسی ارشد و دکترا است.

ماده ۱۴- مرکز به دانش آموختگان خود در هر مقطع گواهینامه پایان تحصیلی اعطا خواهد کرد. این گواهینامه رسمی و مورد تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی می باشد.

ماده ۱۵- احتلال مرکز به پیشنهاد شورای علمی و تایید هیئت امناء و تمویب شورای گسترش دانشگاهها و موسسات آموزش عالی صورت می گیرد. اتخاذ تصمیم در مورد تعیین تکلیف داراییهای مرکز پس از احتلال، به عهده وزارت فرهنگ و آموزش عالی خواهد بود.

